

مقاله پژوهشی

سلامت جامعه

دوره ششم، شماره ۳ و ۴، سال ۱۳۹۱

ارتباط بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در اعضای هیأت علمی دانشگاه

علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۰

پروین آقا محمد حسنی^۱، محمدرضا مختاری^{۲*}، احمدرضا صیادی^۳، محمد ناظر^۴، محمد نیرومند^۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۵

خلاصه

زمینه و هدف: در دنیای پر تلاطم امروز رضایتمندی از زندگی زناشویی رو به کاهش گذاشته و در این بین ارتباطات و نوع نگاه افراد به زندگی می‌تواند سهم عمده‌ای در افزایش رضایتمندی داشته باشد. این مطالعه با هدف تعیین همبستگی مؤلفه‌های هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در اعضا هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری این مطالعه توصیفی که در سال ۱۳۹۰ و در کلیه مراکز آموزشی و درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان انجام شد، کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه فوق الذکر بودند. شرکت کنندگان، به سوالات پرسشنامه‌های هوش هیجانی اجتماعی Bar-on و رضایتمندی زناشویی Enrich پاسخ دادند. با توجه به نوع مطالعه، از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و همچنین آزمون تی استفاده شد.

یافته‌ها: میزان رضایتمندی نسبی زناشویی در مطالعه حاضر ۶۸ درصد و میانگین نمره هوش هیجانی ۳۳۷ بود. در مجموع هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی با متغیر جنسیت و سن ارتباط نداشتند. از میان ابعاد مختلف رضایتمندی زناشویی، بعدهای روابط بین فردی و همدلی با متغیر جنسیت از نظر آماری رابطه معنی‌داری نشان داد. همچنین بین ابعاد هوش هیجانی، فقط بعد مسئولیت‌پذیری بین زنان و مردان از نظر آماری اختلاف معنی‌داری داشت. نمره کل هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی با جنس ارتباط معنی‌دار نداشت. در مجموع، تمامی مؤلفه‌های هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی با یکدیگر رابطه آماری معنی‌داری داشتند. ۳۷ درصد از رضایتمندی زناشویی توسط هوش هیجانی قابل پیش‌بینی بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به ارتباط بالای هوش هیجانی با رضایتمندی زناشویی پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های متولی امور آموزش در کشور، بیشتر به مقوله آموزش مهارت‌های لازم جهت افزایش هوش هیجانی بپردازند تا باعث بهبود روابط زناشویی و محکم‌تر شدن بنیان خانواده گردد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، رضایتمندی زناشویی، عضو هیأت علمی

۱- استادیار گروه روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران.

۲- کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول) تلفن: ۰۳۹۱۵۲۲۰۰۸۰ Email: mrmokhtaree@yahoo.com

۳- مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۴- استادیار، گروه روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۵- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات کرمان.

مقدمه

خانواده یکی از ارکان مهم جامعه در کل تاریخ بشر و در همه ممالک بوده و هست، تا جایی که این عنصر مهم، در پیشبرد و بقاء جامعه، نقشی اساسی بازی می‌کند و این در حالی است که عامل شکل‌گیری خانواده و سنگ زیر بنای آن ازدواج است [۱]. با تکامل فرهنگ‌ها ازدواج به صورت یک رسم و آیین مقدس و دینی درآمده و شکست این ارتباط و پیمان یک برچسب اجتماعی را به طرفین می‌زند. اما لزوماً تمامی ازدواج‌ها موفق و با رضایت نبوده و برخی به جدایی می‌انجامد. تعدادی از زوجین، این ناراضی و ناخشنودی خود را از طریق جدایی و طلاق حل می‌کنند. Gottman بیان می‌دارد، وقتی مسئله‌ای برای بروز بحران در زندگی زناشویی وجود ندارد زوجین میزان بالایی از رضایتمندی زناشویی را گزارش می‌کنند [۳]. همچنین نتایج مطالعات مختلف حاکی از این است که ازدواج خوب، موجب سلامتی روانی و جسمی بیشتر و شادی افزون‌تر در زندگی است [۲]. رضایت زناشویی، یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آنچه در زندگی خود تجربه می‌کند [۳]. winch معتقد است رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است [۴]. رضایت، یک متغیر نگرشی است، بنابراین یک خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می‌شود. طبق تعریف مذکور، رضایت زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند. بسیاری از محققان سعی در شناخت عواملی دارند که سطح رضایت و پایداری در روابط بین فردی از جمله روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل گوناگونی به عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت زناشویی شناسایی شده‌اند که برخی از این عوامل عبارتند از: سن ازدواج، مدت زمان ازدواج، فرزندان، تناسب تحصیلی، مسائل مالی، مسائل جنسی، اقوام و آشنایان، اعتقادات مذهبی، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی درک همسر، مهارت‌های ارتباطی، اوقات فراغت و تعهد [۵]. سال‌هاست که محققین مشغول بررسی عوامل ناسازگاری در میان خانواده‌های دارای تعارض هستند. اما اخیراً پژوهشگران به جای تأکید

بر متغیرهای وابسته به ناسازگاری، به عوامل درون فردی و بین فردی آشکار در تعاملات روزمره‌ی زوج‌های راضی و خوشحال توجه دارند. این محققین بیان می‌کنند عواملی چون آگاهی هیجانی، بیان هیجانی، تنظیم هیجانی و همدلی، بر روابط ازدواج تأثیر گذاشته و کیفیت ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند [۶].

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در خصوص روابط همسران، به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌توانند در میزان رضایت زناشویی مؤثر باشند. روابط صمیمانه زوجین نیاز به مهارت‌های ارتباطی از قبیل توجه افراد به مسائل از دید همسرشان، توانایی درک همدلانه آنچه که همسرشان تجربه نموده و همچنین آگاه بودن از نیازهای او دارد [۷].

ساختار نظری هوش هیجانی salovey و Mayer شامل بسیاری از خصوصیات تجربی مثبت است که محققین، آنها را به کیفیت زناشویی ارتباط داده‌اند. هوش هیجانی، ظرفیت شناسایی، کاربرد، فهم و مدیریت احساسات است. حتی به طور اختصاصی‌تر، Salovey و همکاران بیان می‌دارند که با تفکر در احساسات خود و احساسات دیگران، افراد می‌توانند احساسات را به اشتراک گذاشته، اطلاعات هیجانی را درک کنند و مدیریت نمایند. تا بدانجا که در حوزه‌ی ازدواج درمانی، Salovey و همکاران اظهار می‌دارند که هوش هیجانی می‌تواند آموخته شود و با افزایش مهارت‌های مربوط به آن، نوع ارتباطات و بینش افراد نیز متحول می‌گردد [۶-۸-۹]. Grieco، به مطالعه ارتباط میان فاکتورهای هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی پرداخت و دریافت که در اولین ازدواج، یک وابستگی و همبستگی میان ابعاد هوش هیجانی و رضایتمندی وجود دارد. به ویژه در مؤلفه‌های هوش هیجانی، ارتباط بین فردی، درون فردی، سازگاری، مدیریت استرس و خلق عمومی به طور معنی‌داری پیش‌بین رضایتمندی زناشویی هستند [۱۰]. سلیمانیان نیز به مطالعه هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در گروهی از دانشجویان پرداخته و بیان می‌دارد که این دو مقوله با هم ارتباط معنی‌داری دارند [۱۱]. در این زمینه مطالعات مختلفی بر روی کارکنان برخی دانشگاه‌ها یا معلمان و دیگر اقشار جامعه صورت گرفته

خودشکوفایی (Self-Actualization): توانایی درک ظرفیت های بالقوه و انجام چیزی که می توان انجام داد، تلاش برای انجام دادن و لذت بردن.

خوش بینی (Optimism): توانایی زیرکانه نگاه کردن به زندگی و تقویت نگرش های مثبت، حتی در صورت بروز مشکلات و احساسات منفی.

شادمانی (Happiness): توانایی احساس خوشبختی کردن با زندگی خود، لذت بردن از خود و دیگران، داشتن احساسات مثبت، صریح، مفرح و شوخ.

تحمل فشار روانی (stress Tolerance): توانایی مقاومت کردن در برابر رویدادها، موقعیت های فشار آور و هیجانات قوی، بدون جا زدن و یا رویارویی فعال و مثبت با فشار.

کنترل تکانش (Impulse Control): توانایی مقاومت در برابر یک تکانش، سائق یا فعالیت های آزمایشی و یا کاهش آن ها، همچنین توانایی کنترل هیجانات خود.

انعطاف پذیری (Flexibility): توانایی سازگار بودن افکار و رفتار با تغییرات محیط و موقعیت ها.

مسئولیت پذیری اجتماعی (Social Responsibility): توانایی بروز خود به عنوان یک عضو دارای حس همکاری، مؤثر و سازنده در گروه.

استقلال (Independence): توانایی هدایت افکار و اعمال خود و آزاد بودن از تمایلات هیجانی .

عزت نفس (Self Regard): توانایی آگاه بودن از ادراک خود، پذیرش خود و احترام به خود.

حل مسئله (Problem solving): توانایی تشخیص و تعریف مشکلات، به همان خوبی خلق کردن و تحقق بخشیدن راه حل های مؤثر و بالقوه.

همدلی (Empathy): توانایی آگاه بودن و درک احساسات دیگران و ارزش دادن به آن.

روابط بین فردی (inter-personal Relationship): توانایی ایجاد و حفظ روابط رضایت بخش متقابل که به وسیله نزدیکی

است. حال سؤال این جاست که آیا متغیرهایی مانند سطح تحصیلات، موقعیت شغلی یا منابع مالی افراد، در این مسئله نقشی تعدیل کننده دارند یا این که رضایت زناشویی از متغیرهای دیگری تأثیر می پذیرد؟ مطالعه حاضر، در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان انجام شد تا نقش تفاوت های شغلی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی نیز در این زمینه مشخص گردد.

مواد و روش ها

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. روش نمونه گیری به صورت سرشماری و حجم نمونه، همان جامعه پژوهش یعنی کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان به تعداد ۱۴۶ نفر بود که از این تعداد ۲۴ نفر به دلیل عدم همکاری و یا عدم دقت کافی در پر کردن پرسش نامه ها یا تجرد، از مطالعه حذف گردیدند. با مراجعه به محل کار آزمودنی ها و ارائه توضیحات لازم، پرسش نامه ها به افراد تحویل گردید و فرصتی یک هفته ای جهت تکمیل آنها داده شد. در برخی واحدهای دانشگاه، صندوقی به منظور جمع آوری پرسش نامه ها در نظر گرفته شده بود. در واحدهای دیگر نیز، پرسش نامه ها توسط همکاران طرح جمع آوری گردید. افراد در صورت رضایت، پرسش نامه ها را تکمیل می نمودند و اطلاعات کاملاً محرمانه بود.

در پژوهش حاضر برای اندازه گیری میزان هوش هیجانی از مقیاس Bar-on استفاده شد. این پرسش نامه به زبان فارسی نیز ترجمه شده و تاکنون در مطالعات متعددی، به کار رفته است. پرسشنامه ی Bar-on از پانزده حیطه تشکیل شده است. عنوان هر حیطه و تعریف مختصر آن عبارت است از:

خود ابرازی (Assertiveness): توانایی ابراز احساسات، باورها و افکار صریح و دفاع از مهارت های سازنده و برحق خود.

واقع گرایی (Reality Testing): توانایی سنجش هماهنگی، بین چیزی که به طور هیجانی تجربه شده و چیزی که به طور واقعی وجود دارد.

خودآگاهی هیجانی (Self-Awareness): توانایی آگاه بودن و فهم احساس خود.

این پرسشنامه در پژوهشی توسط سلیمانیان برآورد گردید. ضریب اعتبار آن از طریق ضریب آلفا ۹۳ درصد محاسبه شد [۱۱-۱۵]. در تجزیه و تحلیل داده های پژوهش حاضر، از آماره های توصیفی از جمله میانگین، انحراف استاندارد، جدول فراوانی و همچنین آماره های استنباطی همبستگی پیرسون و اسپیرمن و آزمون T مستقل استفاده شد. تمام مراحل با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۵ انجام و $p < 0.05$ معنی دار در نظر گرفته شد.

نتایج

۶۵/۹ درصد آزمودنی ها مرد و ۳۴/۱ درصد زن بودند. کمترین سن ۳۲ و بیشترین آن ۶۲ سال با میانگین ۴۳/۸۴ سال بود. ۵/۶ درصد از آزمودنی ها دارای نارضایتی زیاد، ۲۰/۶ درصد موارد دارای عدم رضایت، ۶۸/۳ درصد موارد رضایت نسبی و ۵/۵ درصد موارد، رضایت مندی زناشویی بالایی داشتند. میانگین نمره هوش هیجانی ۳۳۷ بود. آزمون T مستقل نشان داد از میان ابعاد مختلف هوش هیجانی، بعدهای روابط بین فردی و همدلی با متغیر جنسیت از نظر آماری رابطه معنی داری داشت ($p = 0.000$) (جدول ۱).

عاطفی، صمیمیت، محبت کردن و محبت گرفتن توصیه می شود.

هر یک از این پانزده حیطة توسط شش سوال ارزیابی می گردد. کمترین نمره احتمالی برای هر حیطة ۶ و بیشترین آن ۳۰ می باشد. این مقادیر برای کل پرسشنامه به ترتیب ۹۰ و ۴۵۰ است. روایی درونی آزمون در ۹ مطالعه متفاوت، نشان از آلفای کرونباخ ۷۹ درصد تا ۸۶ درصد داشته است. در سنجش روایی با استفاده از روش آزمون- باز آزمون در یک ماه و چهار ماه بعد، برای یک ماه بعد ارزش ها از ۷۸٪ تا ۹۲٪ و چهار ماه بعد بین ۵۵ درصد تا ۸۲ درصد بوده است [۱۲-۱۴ و ۲۰].

پرسشنامه رضایت زناشویی Enrich

برای بررسی رضایت زناشویی، پرسشنامه انریچ استفاده گردید. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار معتبر در تحقیقات متعددی برای سنجش رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. اولسون، نظریه پرداز بزرگ ازدواج، از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده و معتقد است که این مقیاس مربوط به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد، می شود و همچنین در این خصوص به تغییراتی که در خانواده به وجود می آید حساس است. همچنین، از این ابزار، می توان به عنوان یک ابزار تشخیص برای زوج هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و به دنبال تقویت رابطه زناشویی شان هستند، استفاده نمود.

در پرسشنامه رضایت زناشویی Enrich، پاسخ به سؤالات به صورت طیف لیکرت ۵ درجه ای از ۵=کاملاً موافق تا ۱=کاملاً مخالف بوده، کمترین نمره ۴۷ و بیشترین نمره ۲۳۵ است و افرادی که نمرات آنها زیر ۱۵۰ است دارای میزانی از ناسازگاری زناشویی هستند. اولسون و همکاران، اعتبار این پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ ۹۲ درصد گزارش کردند. روایی و اعتبار

جدول ۱- مقایسه میانگین نمره هوش هیجانی و ابعاد آن در نمونه های مورد مطالعه بر حسب جنس

| P Value | زن | | مرد | | ابعاد هوش هیجانی |
|---------|---------|--------------|---------|--------------|------------------|
| | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | |
| ۰/۴۰۸ | ۲۲/۸۸ | ۴/۳۰ | ۲۳/۳ | ۳/۷ | استقلال |
| ۰/۸۱۷ | ۲۰/۷۰ | ۴/۹۵ | ۱۰/۹۲ | ۵/۰۱ | تحمل فشار روانی |
| ۰/۲۱۵ | ۲۲/۱۲ | ۴/۷۸ | ۲۱/۰۸ | ۴/۲۰ | واقع گرایی |
| ۰/۰۰۱* | ۲۴/۷۰ | ۳/۱۱ | ۲۲/۲۸ | ۳/۷۰ | روابط بین فردی |
| ۰/۹۵۹ | ۱۹/۸۴ | ۵/۲۶ | ۱۹/۸۹ | ۵/۷۷ | کنترل تکانش |
| ۰/۰۰۱* | ۲۱/۷۹ | ۲/۶۵ | ۱۹/۳۳ | ۳/۳۵ | همدلی |
| ۰/۳۰۳ | ۲۱/۴۷ | ۴/۳۹ | ۲۱/۳۵ | ۴/۶۲ | خود ابرازی |
| ۰/۲۸۲ | ۲۱/۰۷ | ۴/۴۶ | ۲۰/۱۱ | ۴/۸۶ | انعطاف پذیری |
| ۰/۲۱۸ | ۳۴۵/۵۸ | ۴۶/۹۲ | ۳۳۳/۸۷ | ۵۲/۰۹۲ | هوش هیجانی |

* $p < 0.05$

تحلیل نتایج با آزمون U من ویتنی نیز نشان داد از بین ابعاد هوش هیجانی، فقط بعد مسئولیت پذیری بین زنان و مردان از نظر آماری اختلاف معنی داری داشت ($p < 0.022$) (جدول شماره ۲).

جدول ۲- مقایسه میانگین رتبه نمره ابعاد هوش هیجانی در نمونه های مورد مطالعه بر حسب جنس

| نتیجه آزمون من ویتنی p Value | میانگین رتبه ها | | ابعاد هوش هیجانی |
|---------------------------------|-----------------|-------|------------------|
| | زن | مرد | |
| ۰/۹۹۸ | ۶۳/۵۱ | ۶۳/۴۹ | حل مسئله |
| ۰/۱۳۱ | ۷۰/۲۹ | ۵۹/۹۸ | شادمانی |
| ۰/۰۵۴ | ۷۲/۱۷ | ۵۹/۰۱ | خود شکوفایی |
| ۰/۱۷۴ | ۶۹/۶۴ | ۶۰/۳۲ | خود آگاهی |
| ۰/۷۹۰ | ۶۴/۷۰ | ۶۲/۸۸ | خوش بینی |
| ۰/۴۸۷ | ۶۶/۶۳ | ۶۱/۸۸ | عزت نفس |
| ۰/۰۲۲* | ۷۳/۷۳ | ۵۸/۲۰ | مسئولیت پذیری |

* $P < 0.05$

همچنین آزمون T مستقل نشان داد زنان و مردان در مورد رضایتمندی زناشویی و ابعاد آن به جز بعد اقوام و دوستان ($p = 0.032$) تفاوت معنی داری ندارند (جدول شماره ۳).

جدول ۳- مقایسه میانگین نمره رضایتمندی زناشویی و ابعاد آن در نمونه های مورد مطالعه بر حسب جنس

| P value | زن | | مرد | | ابعاد رضایتمندی زناشویی |
|---------|---------|--------------|---------|--------------|-------------------------|
| | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | |
| ۰/۶۸۵ | ۱۵/۰۱ | ۳/۱۵ | ۱۴/۷۴ | ۳/۶۱ | مسائل شخصیتی |
| ۰/۹۸۶ | ۱۴/۳۲ | ۳/۶۲ | ۱۴/۳۳ | ۳/۳۶ | ارتباط زناشویی |
| ۰/۰۷۸ | ۱۴/۷۳ | ۲/۴۹ | ۱۳/۸ | ۲/۹۷ | حل تعارض |
| ۰/۸۴۸ | ۱۶/۶۴ | ۲/۶۵ | ۱۶/۵۳ | ۳/۰۳ | مسائل مالی |
| ۰/۲۱۵ | ۱۶/۲۰ | ۲/۷۸ | ۱۵/۵۳ | ۲/۹۶ | اوقات فراغت |
| ۰/۸۸۸ | ۱۳/۴۳ | ۵/۰۹ | ۱۳/۵۵ | ۳/۰۹ | مسائل جنسی |
| ۰/۶۶۹ | ۱۶/۱۳ | ۴/۰۶ | ۱۵/۸۳ | ۳/۴۶ | فرزندپروری |
| ۰/۰۳۲* | ۱۵/۵۶ | ۳/۵۲ | ۱۴/۱۸ | ۳/۳۱ | اقوام و دوستان |
| ۰/۴۳۶ | ۱۷/۱۱ | ۳/۳۰ | ۱۶/۶۸ | ۲/۷۴ | مسائل مذهبی |
| ۰/۳۱۸ | ۱۳۹/۱۴۰ | ۱۹/۴۴ | ۱۳۵/۱۴۱ | ۲۱/۸۴ | رضایتمندی زناشویی |

*P < ۰/۰۵

جدول ۴- ارتباط نمره هوش هیجانی و مؤلفه های

رضایتمندی زناشویی

| نمره کل هوش هیجانی | مؤلفه های رضایتمندی زناشویی |
|--------------------|-----------------------------|
| P value | |
| ۰/۰۰۰ | موضوعات شخصیتی |
| ۰/۰۰۰ | ارتباط زناشویی |
| ۰/۰۰۰ | حل تعارض |
| ۰/۰۰۰ | مدیریت مالی |
| ۰/۰۰۰ | فعالیت های اوقات فراغت |
| ۰/۰۰۰ | روابط جنسی |
| ۰/۰۰۰ | ازدواج و فرزندان |
| ۰/۰۰۰ | اقوام و دوستان |
| ۰/۰۰۰ | جهت گیری مذهبی |
| ۰/۰۰۰ | نمره کل رضایتمندی زناشویی |

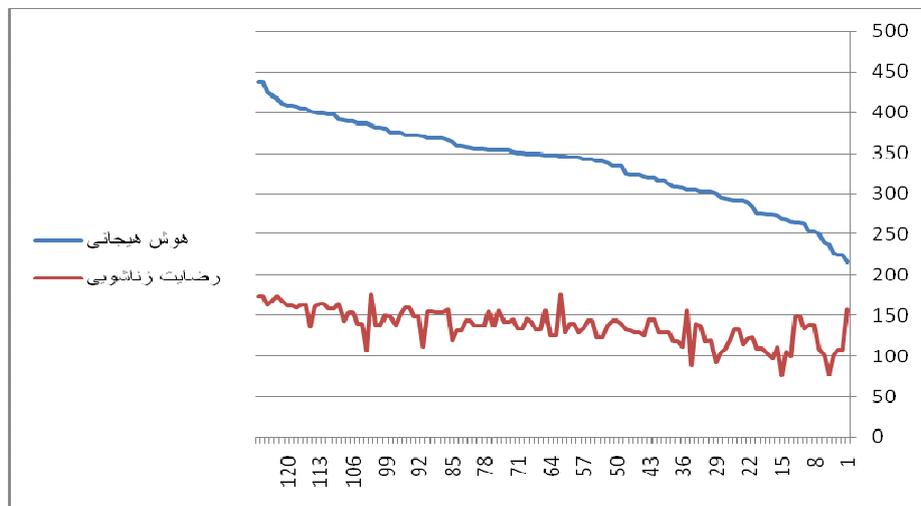
P < ۰/۰۵

هیچ کدام از ابعاد ذکر شده هوش هیجانی جز مسئولیت پذیری، از نظر آماری با سن ارتباط معنی داری نداشت. اختلاف میان هوش هیجانی در زنان و مردان و همچنین بین افراد جوان و میانسال از نظر آماری معنی دار نبود.

یافته های مطالعه حاضر حاصل آزمون همبستگی، حاکی از این مطلب است که بین میانگین نمرات مؤلفه های هوش هیجانی و میانگین نمرات رضایتمندی زناشویی و همچنین بین میانگین نمره کلی هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی، ارتباط معنی داری وجود داشت (P=۰/۰۰۰) (جدول شماره ۴).

رضایت مندی زناشویی با هوش هیجانی ارتباط معنی داری دارند.

طبق اطلاعات نمایش داده شده در این جدول، تمامی مؤلفه های



نمودار شماره ۱- تغییرات شماتیک هوش هیجانی و رضایت مندی زناشویی در شرکت کنندگان

همچنانکه مشاهده می‌گردد در مطالعه حاضر، با افزایش نمره هوش هیجانی، نمره رضایت مندی زناشویی نیز افزایش یافت.

بحث

درصد بود که بالاتر از مطالعه حاضر است [۱۹]. به نظر می‌رسد سطح تحصیلات در میزان رضایت مندی زناشویی تأثیر چندانی نداشته و احتمالاً عوامل مهم‌تر دیگری در این امر نقش دارند. میانگین نمره هوش هیجانی در نمونه های مطالعه حاضر ۳۳۷ بود و این در حالی است که این نمره در مطالعه حقانی که نمونه‌های وی، از اساتید یک دانشگاه علوم پزشکی بودند ۳۴۰/۶ محاسبه گردید [۲۰] که با مطالعه حاضر هم‌خوانی دارد. میانگین نمره هوش هیجانی در مطالعه سموعی [۲۱] در میان دانشجویان پزشکی ۳۲۸، در مطالعه مطلبی [۲۲] در میان مدیران مدارس ۳۳۳/۱۳، در مطالعه کجیاف [۲۳] در میان ورزشکاران ۳۲۸/۹، در مطالعه حاجی پور [۲۴] در میان ۵۱ مدیر دانشگاه ۳۴۹/۴۵ و در مطالعه صلاحیان [۲۵] از نمونه‌ای از مردم عادی شهر ۳۲۹ گزارش گردید. شاید علت این تفاوت در نمرات، تفاوت در جامعه آماری باشد. به نظر می‌رسد نمونه مطالعه حاضر با توجه به میزان تحصیلات بالاتر و نیز موقعیت اجتماعی خود، نمرات بالاتری را در هوش هیجانی کسب کرده‌اند. میزان تحصیلات این جامعه از فوق لیسانس تا فوق تخصص متغیر بوده و بنا به موقعیت شغلی خود مسلماً از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردارند که این

میزان رضایت مندی نسبی زناشویی در مطالعه حاضر ۶۸ درصد بود. ward که به مطالعه میزان رضایت مندی زناشویی در بین پزشکان دارای فرزند پرداخته بیان می‌دارد دارا بودن یک همسر حامی، با میزان بیشتری از رضایت مندی زناشویی همراه است. وی همچنین شغل همسر و یا خانه‌دار بودن وی را نیز در میزان رضایت مندی مؤثر می‌داند. میزان رضایت مندی زناشویی زیاد در مطالعه وی حدود ۳۸ درصد و میزان خیلی زیاد ۲۴ درصد بود [۱۶]. همچنین Lewis میزان رضایت مندی زناشویی در میان پزشکان و دندان‌پزشکان را ۸۵ درصد ذکر می‌کند که از میزان رضایت مندی مطالعه حاضر بیشتر می‌باشد [۱۷]. نتایج مطالعه واقعی [۱۸] نیز که بر روی گروهی از کارکنان دو دانشگاه، یکی علوم پزشکی و دیگری از دانشگاه‌های وزارت علوم (غیر پزشکی) با سطح تحصیلات زیر دیپلم تا بالاتر از لیسانس انجام شد حاکی از میزان رضایت مندی زناشویی نسبی حدود ۶۵ درصد بوده که مشابه مطالعه حاضر بود. حتی میزان رضایت مندی زناشویی در مطالعه شاهی که بر روی گروهی از افراد مناطق آسیب‌خیز گرگان با سطح تحصیلات و معیشتی پایین انجام شد حدود ۷۷

اجتماعی) و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد [۳۱].

در مطالعه حاضر، تفاوت معنی داری بین هوش هیجانی زنان و مردان دیده نشد در حالی که در مطالعه Brackett [۳۲]، نمرات زنان در مقیاس های هوش هیجانی رابطه معنا دارتری با کیفیت روابط در مقایسه با مردان داشتند. Day [۳۳] نیز نشان داد که مردان در آزمون هوش هیجانی، نمرات بالاتری به دست می آورند. اما kent [۳۴] در مطالعه خود دریافت که دخترها در درک هیجانی و زمینه های توصیفی، نمره های بالاتری کسب می کنند. crick [۳۵] نیز در مطالعه بر روی صلاحیت اجتماعی و موفقیت شغلی دریافت که دانش آموزان دختر نمره های هوش هیجانی بالاتری نسبت به پسرها داشتند. دهشیری [۳۶] نیز در هنجارگزینی تست Bar-on دریافت که دختران نمره های بالاتری در هوش هیجانی به دست می آورند و این تفاوت در مطالعه سلیمانیان نیز معنی دار است [۱۱] اما Ahmad [۳۷] در مطالعه خود بیان می دارد که هوش هیجانی مردان از زنان بالاتر است و نکته این جاست که چرا در مطالعه حاضر این تفاوت معنی دار نشد. آیا سطح تحصیلات بالا و یا موقعیت اجتماعی و دارا بودن ثبات شغلی و یا درآمد مکفی، می تواند نقش جنسیت را در مؤلفه های هوش هیجانی تغییر دهد؟

علیرغم این که نقش جنسیت معمولاً در مطالعات پیشین در میزان رضایت مندی زناشویی نادیده انگاشته می شد اما اخیراً بیشتر به این موضوع پرداخته می شود تا جایی که faulker [۳۸] بیان می دارد که جنسیت و نقش های جنسیتی نقش مهمی در رضایت مندی زناشویی بازی می کند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش حاضر و نیز مطالب عنوان شده در مطالعات قبلی این نکته قابل تاکید است که هوش هیجانی و مؤلفه های آن ارتباط معنی داری با میزان رضایت مندی زناشویی دارد. با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده، ۳۷ درصد از رضایت مندی زناشویی توسط هوش هیجانی قابل پیش بینی است و از آن جهت که هوش هیجانی مسئله ای اکتسابی است و می تواند آموخته شود توجه بیشتر برنامه ریزان

مطلب می تواند رابطه بین هوش شناختی و هوش اجتماعی را نیز توجیه کند. گلستان چهرمی نیز در مطالعه خود به بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش شناختی پرداخت و چنین نتیجه گیری کرد که این دو مقوله ارتباط معنی داری با هم دارند [۲۶]. Aremu [۲۷] و Petridesa [۲۸] نیز هوش هیجانی را در موفقیت تحصیلی دانش آموزان و در نتیجه سطح تحصیلات بالاتر مؤثر می دانند.

در مورد ارتباط هوش هیجانی و ارتباطات بین فردی نیز مشاهده شده که هوش هیجانی، ارتباطی مهم با میزان استرس افراد و همچنین سلامت روان آنان دارد [۲۸]. در این راستا whisman [۲۹] بیان می کند که میزان اضطراب و استرس افراد، پیش بین میزان رضایت مندی زناشویی بوده و در این بین افسردگی نقش بسیار مهم تری ایفا می کند که با توجه به این که افسردگی مکانیسم بسیار پیچیده تری از اضطراب دارد و بر جنبه های مختلف زندگی و ارتباطات درون فردی و بین فردی تأثیر دارد این مطلب درست به نظر می رسد. در مطالعه حاضر، کنترل تکانش، تحمل فشار روانی و شادمانی نیز که از مؤلفه های هوش هیجانی هستند، ارتباط مستقیم و معنی داری هم با نمره کل رضایت مندی زناشویی و ابعاد آن دارد. Hafner [۳۰] نیز عوامل شخصیتی، از جمله جرأت ورزی را یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان رضایت مندی زناشویی می داند که با توجه به معنی دار بودن این مؤلفه، با نمره کل رضایت مندی زناشویی و همچنین مؤلفه های آن، درست به نظر می رسد.

نتایج مطالعه حاضر حاکی از وجود تفاوتی معنی دار میان هوش هیجانی و مؤلفه های آن با رضایت مندی زناشویی است. نمودار شماره ۱ به خوبی این ارتباط را نشان می دهد. با افزایش نمره هوش هیجانی، نمره رضایت مندی نیز افزایش یافت. این نتایج با نتایج تحقیق فروغی که نشان داد بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد همسو است. تحقیق آن ها همچنین نشان داد که بین مؤلفه های هوش هیجانی (خود آگاهی، همدلی، خود کنترلی و مهارت های

آموزشی و فرهنگی کشور را در مورد این مسئله به خود جلب می کند.

منابع

1. Omidvar B, Fatehizadeh MS, Ahmadi SA. The Effect of Premarital Training on Marital Expectations and Attitudes of University Students in Shiraz. *Journal of Family Research*, 2009; 5(2): 231-246. [Persian]
2. Withe L, Rogers SJ. Economic circumstances and family out comes: a review of the 1990.s. *Journal of marriage and the family*, 2000; 62(4):1035-1051.
3. Gottman JM, Levenson RW. A two-factor model for predicting when a couple will divorce exploratory analyses using 14-year longitudinal data. *Family process*, 2002; 41 (1):83-96.
4. Winch RF. *Selected studies in marriage and the family*. New York: Winston; 1974.
5. Olson D. *Marriage in perspective*. In F.D. Fincham & T. N. Bradbury (EDs.), *the psychology of marriage*, New York: Guilford Press; 1990: 402-419.
6. Salovey P, Mayer JD. Emotional intelligence. *Imagination, cognition and personality*; 1990, 9(3):185-211.
7. Madden ME, Janoff-Bulman R. Blame, control, and marital satisfaction: wives' attributions for conflict in marriage. *Journal of marriage and the family*, 1981; 43: 663-674.
8. Ameri F. *Relation Problems and Family*. The First Congress of Family in Iran, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [Persian]
9. Tamaren KJ. *Factors of emotional intelligence associated with marital satisfaction*. PhD Dissertation, Saint Louis University, USA; 2010.
10. Grieco C. *Emotional intelligence, level of commitment, and network of social support as predictors of marital satisfaction*. Unpublished doctoral dissertation, Hofstra University, United States of America; 2001.
11. Soleimani AA. *Study of relationship between irrational beliefs and marital satisfaction among college students*. Msc Dissertation, kharazmi university, Tehran, 1995. [Persian]
12. Mahanian Khameneh M, Borgh Ali A, Eslamizadeh MK. The Relationship between Emotional Intelligence and Marital Satisfaction. *Psychology Journal*, 2006; 10(3):308-320. [Persian]
13. Bar-on R. The era of the eq: defining and assessing emotional intelligence. Poster session presented and the annual of the American psychological association, Toronto, Canada; 1996.
14. Kraskian A. *psychology tools: Bar-on emotional intelligence questionnaire*. Development of school counselor, 2011; 5(3):60-61. [Persian]
15. Ebadatpoor B. *Standardization of marital satisfaction questionnaire in Tehran*. Msc Dissertation, kharazmi university, Tehran, 2000. [Persian]
16. Warde CM, Moonesinghe K, Allen W, Gelberg I. Marital and parental satisfaction of married physicians with children. *J Gen Intern Med*, 1999; 14: 157-165.
17. Lewis JM, Barnhart FD, Nace EP, Carson DI, Howard BL. Marital satisfaction in the lives of physicians. *Bull Menninger Clin*, 1993; 57(4):458-65.
18. Vaghei Y, Miri M, ghasemi poor M. Marital satisfaction Factors in tow Birjand University staff. *Journal of Birjand University of Medical Sciences*, 2011; 16(4): 43-50. [Persian]

19. Shahi A, Ghafari A, Ghasemi KH. Relation between Mental Health and Marital Satisfaction In Couples. Behbood Journal, 2012; 15(9(49)): 119-126. [Persian]
20. Haghani F, Aminian B, Changiz T. Do the Teachers who are selected by Students Have a Higher Emotional Intelligence? Strides in Development of Medical Education, 2011; 8 (2(16)): 132-140. [Persian]
21. Samouei R, Kamali F, Alavi M, Yazdi M. Comparison of management capabilities of health services management students and medical students based on indicators of emotional intelligence in Isfahan University of medical sciences. Iranian Journal of Medical Education, 2011; 10(5(29)): 1209-12. [Persian]
22. Motalabi F, Foroghi AA, ShahTalebi B. The relationship between emotional intelligence of managers and their ability to win the confidence of teachers in elementary schools. Research in Curriculum Planning, 2010; 23(22): 63-88. [Persian]
23. Kajbafnezhad H, Ahadi H, Heidari A, Asgari P, Enaiati M. The relationship between psychological skills, emotional intelligence and its component with athletic success motivation in men athletics of Shiraz city. New finding in Psychology, 2010;5(13): 107-125. [Persian]
24. Hajipoor B, Vazifehdoost H, Jamshid Horveh H. The effects of emotional intelligence on management capabilities. Bahar Cultural management, 2012; 5(11):45-63. [Persian]
25. Salahian A, Sadeghi M, Bahrami F, Sharifi M. Examine the Relationship between Emotional Intelligence and Forgiveness with marital conflict. Psychological studies, 2011; 6(2): 115-140. [Persian]
26. Golestan Jahromi F. Survey of Relationship between Emotional Intelligence and Cognitive Intelligence with Academic Achievement of Students in Gifted and Normal. Msc Dissertation, Alzahra University, Tehran, 2005.[Persian]
27. Aremu OA, Tella A, Tella A. Relationship among emotional intelligence, parental involvement and academic achievement of secondary school students in Ibadan, Nigeria .University Of Ibadan, Nigeria, 2007.
28. Petridesa KV, Fredericksonb N, Furnhamb A. The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. Personality and individual differences, 2004; 36:277-93.
29. Whisman MA, Jacobson NS. Depression, marital satisfaction, and marital and personality measures of sex roles. Journal of marital and family therapy, 1989; 15(2):177-186.
30. Hafner RJ, Spence NS. Marriage duration, marital adjustment and psychological symptoms: a cross-sectional study. Journal of clinical psychology, 1988; 44(3):309-316.
31. Forooghi A, Hosseinian S, Yazdi SM. The relationship between emotional intelligence and its components with marital satisfaction of hospital staff. Counseling Research & Developments, 2009; 7(26): 25-35. [Persian]
32. Brackett MA, Warner RM, Bosco JS. Emotional intelligence and relationship quality among couples. Personal relationships, 2005; 12(2): 197-212.
33. Day AL. The measurement of Emotional Intelligence: The good, the bad, and the ugly. In G. Geher (Ed). Measuring Emotional Intelligence: Common Ground & Controversy. New York: Nova Science Publishers, Inc; 2004: 245-270.

34. Kent TW. Leadership and emotions in health care organizations. Journal of health organization and management, 2006; 20(1): 49-66.
35. Crick A. "Emotional intelligence, social competence, and success in high school students". Masters theses & specialist projects, 2002: 649.
36. Dehshiri G. Standardization of Bar-On emotional intelligence inventory (EQ-I) to evaluate various aspects of intelligence in students of universities in Tehran. Msc Dissertation, Allameh Tabataba'i University, Tehran, 2004. [Persian]
37. Ahmad S, Bangash H, Ahmad Khan S. Emotional intelligence and gender differences, Sarhad J. Agric, 2009; 25(1):127-130.
38. Faulker RA. Gender-related influences on marital satisfaction and marital conflict over time for husbands and wives, a dissertation submitted to the graduate faculty of the University of Georgia in partial fulfillment of the requirements for the degree, 2002.

Relationship between the components of emotional intelligence and marital satisfaction in academic staff of Rafsanjan University of Medical Sciences

Agha Mohammad Hasani P¹, Mokhtaree Mr^{*2}, Sayadi Ar³, Nazer M⁴, Niroomand M⁵.

1-Psychiatry Dep, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran.

2-*(Corresponding Author) Msc of Educational Psychology, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran, mrmokhtaree@yahoo.com

3- Social Determinants of Health, Rafsanjan University of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran.

4-Psychiatry Dep, Rafsanjan University Of Medical Sciences, Rafsanjan, Iran.

5- Student of Msc of Clinical Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Background and Objective: In today's world, MS (marital satisfaction) is diminishing. However, people attitudes to life, and communications, can increase satisfaction. This study was aimed to evaluate relation of EQ (emotional intelligence) and MS in the academic staff of Rafsanjan University of Medical sciences.

Materials and Method: Research population included all faculty members in rafsanjan university of medical sciences, which 122 subjects completed Bar-On and Enrich questionnaires and data were analyzed with Pearson's and Spearman correlation coefficients and T test.

Results: MS in this study was 68% and the average score of EQ 337. Overall, EQ and MS were not associated with sex and age. Among the different dimensions MS, relationship between interpersonal relations and empathy with the gender was statistically significant. Among the various dimensions of EQ, only the responsibility had a significant relationship with gender. Total score of EQ and MS, were not significantly correlated with sex. All components of EQ and MS had a significant relationship with each other. 37% of marital satisfaction could be predicted by emotional intelligence.

Conclusion: Due to the high relationship between EQ and MS, these findings recommended that responsible organizations for national education required to training more skills to increase EQ until improve marital relationships and more strength to the family.

Keywords: Emotional intelligence, marital satisfaction, Academic staff